

سیاست جنایی تقنینی ایران در حوزه جرائم زیست محیطی

با رویکرد پیشگیرانه

حمزه علی پور^۱ و ابوالقاسم کفشگر^۲

چکیده

زمینه و هدف: جرائم زیست محیطی به لحاظ گستردگی خاص و دامنه آسیب پذیری عناصر محیط زیست و غیر قابل جبران بودن خسارت وارده و رابطه مستقیم آن با زندگی بشری، مورد توجه قانونگذار قرار گرفته است. در ایران، قوانین متنوعی وضع شده ولی در بسیاری از موارد، همسو و مقارن با یکدیگر نبوده و دارای تعارض هستند. وجود سیاست تقنینی منسجم که در بر دارنده جنبه پیشگیری، اصلاح و درمان و اعاده وضع به سابق را دارا باشد، احساس می شود. هدف این پژوهش، بررسی سیاست جنایی تقنینی ایران در حوزه یاد شده است.

روش شناسی: در این پژوهش با استفاده از روش توصیفی و به روش کتابخانه‌ای و اسنادی، قوانین متعدد در این حوزه جمع آوری و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت و نگرش و سیاست مقنن ارزیابی شد و نقاط ضعف و قوت و همسو بودن یا تعارض قوانین با یکدیگر بررسی شد.

یافته‌ها و نتایج: یافته‌های پژوهش حاکی است اقدامات پیشگیرانه، افراد جامعه را از مجازات‌های مقرر مصون می‌دارد و مانع هرگونه تخریب و دست‌اندازی به محیط زیست می‌شود. مقنن ایران، تعریف صریح و جامعی از محیط زیست و جرائم زیست محیطی ارائه نکرده است. رویکرد سیاست تقنینی ایران در نادیده انگاشتن برخی اقدامات آسیب زنده علیه محیط زیست، نیازمند بازنگری جدی از طریق جرم‌انگاری‌های ویژه و تشدید کیفر است. توسعه فناوری‌های زیستی که در دهه‌های اخیر توجه دانشمندان را به خود جلب کرده است، با وجود منافع آن در صورت استفاده نابجا می‌تواند موجب ایجاد آسیب‌های خطرناکی در عرصه محیط زیست شود که این امر لزوم حمایت کیفری از این بخش را مضاعف کرده است.

کلیدواژه‌ها: سیاست جنایی، محیط زیست، جرائم زیست محیطی، پیشگیری از جرم

□ **استناد:** علی پور، حمزه؛ کفشگر، ابوالقاسم (پاییز، ۱۳۹۷). سیاست جنایی تقنینی ایران در حوزه جرائم زیست محیطی با رویکرد پیشگیرانه.

فصلنامه رهیافت پیشگیری، ۱(۳)، ۵۳-۷۰.

۱. کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه تهران. (نویسنده مسئول). رایانامه: hamzeh.alipoor62@gmail.com

۲. دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه علوم و تحقیقات اصفهان. رایانامه: gh.kafshgar87@gmail.com

مقدمه

محیط زیست گهواره و موطن تمام جانداران است و با پیدایشی کهن و سرچشمه بودن برای زندگی عناصر جاندار و بی جان، اهمیت فراوانی دارد. استفاده نابجای بشر از منابع طبیعی و ذخایر محیطی و اقدامات جاه طلبانه، سبب تخریب چرخه زیست محیطی پیرامون می شود که آثار و نتایج زیان بار آن نه تنها گریبان گیر نسل حاضر بلکه متوجه نسل های آتی نیز خواهد بود؛ بنابراین هر کشور باید بر اساس زیست بوم خود و عوامل تخریب کننده ای که در درون مرزهای سرزمینی دارد، قوانین مدون و مفیدی در راستای پیشگیری و کاهش جرائم زیست محیطی و مبارزه با مرتکبان این حوزه اتخاذ و در سیاست جنایی خود لحاظ کند. در آموزه های دینی، حفظ محیط زیست و احترام به آن و برخورد با حیوانات و مقوله نفقه حیوانات در فقه اسلام مطرح شده است؛ قواعدی توسط علما و فقها وضع شده است که حکایت از حفظ محیط زیست و حرمت آن و جلوگیری از نابودی و تباهی آن دارد.

سیاست جنایی تقنینی، را نه تنها باید نخستین لایه سیاست جنایی (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۷، ص ۲۵۹) محسوب کرد بلکه آن را باید هسته اصلی سیاست جنایی (لازرژ، ۱۳۸۲، ص ۹۵) و تعیین کننده نوع پاسخ در قبال پدیده های مجرمانه تصور کرد؛ زیرا با توجه به اصول حاکم حقوق کیفری همانند اصل قانونی بودن جرائم و مجازات ها و تبعیت غیر قابل انکار از آن، خود بیانگر اهمیت نوع سیاست جنایی پی ریزی شده در قانون به وسیله قوه مقننه دارد. بر این اساس سیاست جنایی تقنینی عبارت است از «تدبر و چاره اندیشی قانونگذار در مورد جرم و پاسخ به آن که با توجه به وابستگی سیاست جنایی به نظام سیاسی هر کشور حالت های مختلفی به خود می گیرد. سیاست جنایی تقنینی سلیقه قانون گذاران مختلف و انتخاب های آنان در انواع جرائم و مجازات ها و به طور کلی نحوه مقابله با پدیده مجرمانه و دادرسی جرائم است» (نجفی ابرندآبادی، ص ۲۶۰). بر اساس همین نوع سیاست جنایی کشورها در قبال پدیده ها است که کشورها را از لحاظ نوع نگرش و برخورد با پدیده های مجرمانه تقسیم بندی می کنند زیرا در واقع تجلی گاه جرم انگاری و تعریف و تعیین انواع پاسخ ها به رفتارهای حاکی از دور شدن از هنجارهای اجتماعی را که مجرمانه تلقی می شوند باید در سطح سیاست جنایی تقنینی یک کشور جست و جو کرد. حقوق محیط زیست: امروزه جهان به نحو فزاینده ای با دو رویکرد مهم برنامه ریزی و محیط زیست در راستای تحقق توسعه پایدار رو به رو است، که در برآیند حاصل از آنها، شاهد شکل گیری علمی جدید

به نام حقوق محیط زیست هستیم که، قوانین برنامه‌ای بخشی از آن است. توسعه کشورها، بر اساس تدوین راهبردها، سیاست‌ها و برنامه‌هایی (بلند مدت، میان مدت، کوتاه مدت) صورت می‌پذیرد که با تکیه بر آرمان‌ها، توانایی‌ها، امکانات و شرایط محیطی حاکم بر کشورها تدوین شده است. با وجود گذشت چندین دهه از اولین قانونگذاری‌ها در حوزه محیط زیست، قوانین مناسب و پیشگیرانه برای معضلات موجود در زیست بوم وضع نشد که نتیجه آن معضلات امروز جامعه در مقوله‌هایی چون ریزگردها و بحران کم آبی، گسترش بیابان‌ها و جنگل زدایی، انقراض حیوانات وحشی در معرض خطر و نابودی زیست بوم جانوران و از بین رفتن پوشش‌های گیاهی و آلودگی آبی رودخانه‌ها و دریاها را می‌توان نام برد. قوانین حافظ محیط زیست را می‌توان به دو دسته قوانین دوست دار محیط زیست و قوانین محافظ محیط زیست انسانی تقسیم کرد. بی‌شک حمایت از محیط زیست باید با ضمانت اجراهای کیفی و مدنی همراه باشد که ایراد اساسی قوانین مدون جزایی کشورمان در حوزه محیط زیست، به روز نبودن و کارا نبودن ضمانت اجراهای پیش بینی شده در قوانین با توجه به شرایط امروز جامعه ماست؛ پس این قوانین دیگر ویژگی بازدارندگی مطلوب را ندارند. به هر حال، در قبال محیط زیست تخریب شده و رو به تخریب ایران و طبیعت شکننده و حساس آن بیشتر قوانین موضوعه کشور از گذشته تاکنون راجع به حفظ محیط زیست و جلوگیری از شکار بوده که حالت پیشگیرانه داشته و اقدامات پیشگیرانه نیز به صورت سنتی بوده و در عمل در بسیاری از مواقع به لحاظ کاستی‌های موجود و اجرا نشدن مناسب و به موقع، مانند کمبود بودجه و فقدان نیروی کار کافی و کارآمد و نداشتن امکانات و اطلاعات لازم، ویژگی پیشگیرانه مد نظر قانون، اجرا نشده است؛ بنابراین باید اقدامات پیشگیرانه متناسب با نیازهای روز و مدرن به روز رسانی شود و در قوانین مرتبط با آلاینده‌های صنعتی، پسماندها، تصفیه‌خانه‌ها، شکار، حفاظت و حراست از جنگل‌ها و منابع طبیعی، تجدید نظر اساسی و بنیادین صورت پذیرد؛ به گونه‌ای که با وضع قوانین منسجم و منظم و مدون که معیارهای زیست محیطی را در سطح بین‌المللی رعایت می‌کند و ابعاد گوناگون محیط زیست را در بر می‌گیرد، نسبت به حفظ و حراست از زیست بوم کشور اقدام عاجل به عمل آید.

سیاست جنایی در قبال محیط زیست: اهمیت و جایگاه محیط زیست در اصل پنجاه قانون اساسی بیان شده که بیانگر فرابخشی بودن مسایل مربوط به محیط زیست و مرتبط با همه احاد جامعه به ویژه

سازمان‌های مربوطه به عنوان متولیان امر در این حوزه است. در حقوق ایران و قوانین موضوعه، تعریف مشخص و معینی از جرائم زیست محیطی صورت نگرفته است که با مطالعه قوانین موضوع مرتبط در حوزه منابع طبیعی و محیط زیست و شاکله حقوق جزایی و رویه قضایی محاکم می‌توان آن را این گونه تعریف کرد: «هرگونه فعل یا ترک فعلی که باعث ورود آسیب و صدمه به محیط زیست و به خطر افتادن عناصر جاندار و بی‌جان محیط زیست می‌شود و در قوانین موضوعه دارای کیفر و مجازات معین است». سیاست جنایی دولت‌ها مجموعه روش‌هایی است که هیئت اجتماع با استفاده از آنها، واکنش‌هایی علیه واقعیت‌های مجرمانه را سازمان می‌بخشد (لازرز، ۱۳۸۲، ص ۱۲). سیاست جنایی تقنینی به منزله نخستین لایه سیاست جنایی عبارت است از تدبیر و چاره‌اندیشی قانون‌گذار در مورد جرم و پاسخ به آن، که با توجه به وابستگی سیاست جنایی و ایدئولوژیک هر کشور حالت‌های مختلف به خود می‌گیرد و می‌توان آن را سلیقه قانون‌گذار و انتخاب‌های وی در انواع جرائم و مجازات‌ها و به طور کلی نحوه مقابله با پدیده مجرمانه و دادرسی جرائم دانست که تبلور آن در قوانین مختلف هر جامعه از جمله قوانین کیفری شکلی و ماهوی منعکس می‌شود (عظیم‌زاده، ۱۳۸۴، ص ۲۰۵). سیاست جنایی تقنینی در جرائم زیست محیطی بر بکارگیری تدابیر و شیوه‌های خاص پیشگیری و سرکوب‌گری در قبال این گونه جرائم تأکید دارد؛ در چارچوب یک سیاست جنایی تقنینی کارآمد است که پیشگیری از جرائم زیست محیطی و بزه‌دیدگی عناصر زیست محیطی مورد توجه ویژه قانون‌گذار قرار می‌گیرد و با مقرر کردن حمایت کیفری ویژه، سیاست پیشگیری از بزه‌دیدگی عناصر محیط زیست دنبال می‌شود. امروزه حمایت کیفری در قالب جرم‌انگاری و در پوشش قانون شناخته می‌شود و از این جهت باید در چارچوب سیاست جنایی تقنینی مورد توجه قرار گیرد، اما خود این مفهوم نیز با توجه به روشی که مقنن برای استفاده از کیفر جهت حمایت در نظر می‌گیرد، دارای انواع متفاوتی است؛ یکی از این گونه‌ها حمایت کیفری افتراقی است که مقنن در راستای اقدامات حمایتی در بحث حمایت از گروه‌های آسیب‌پذیر، دست به جرم‌انگاری ویژه می‌زند؛ یعنی به جرم‌انگاری برخی رفتارهای خاص اقدام می‌کند که در همین راستا جرم‌انگاری برخی افعال یا ترک افعال با توجه به زمینه‌های مختلف و تحت تاثیر عرف جامعه، معاهدات بین‌المللی و متون فقهی و سایر مولفه‌ها انجام می‌گیرد (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۵، ص ۲۱). بنابراین در سیاست جنایی تقنینی ایران مقنن به دو طریق جرم‌انگاری و مجازات مرتکبان، از محیط زیست و عناصر آن حمایت کرده است.

با بررسی قوانین برنامه‌های عمرانی (شش برنامه) قبل از انقلاب اسلامی و برنامه‌های توسعه‌ای پس از انقلاب اسلامی، آنچه محرز است، جایگاه سیر صعودی و توسعه حقوق محیط زیست در روند تدوین و تصویب قوانین برنامه‌ای است. باید اذعان کرد که تحقق تمام اهداف زیست محیطی مندرج در برنامه‌های توسعه‌ای، به ویژه در برنامه ششم توسعه به عنوان آخرین برنامه با دیدگاه زیست محیطی، متضمن تقویت زیرساخت‌های بنیادی، هماهنگی بین امور زیست محیطی، عزم و اراده ملی و فراهم کردن بستر مناسب جهت مشارکت عمومی به ویژه سازمان‌های غیردولتی است، که باید درصدد ترسیم برنامه بلند مدت توسعه پایدار در کشور بود.

به لحاظ وجود خلأ قانونی در حوزه محیط زیست، در حال حاضر ده‌ها طرح توسعه‌ای در کشور وجود دارد که نیاز به پیوست زیست محیطی دارند، برخی از این طرح‌ها در داخل کشور اجرا شده ولی پیوست زیست محیطی ندارند و قسمت اعظم از بودجه آنها از طریق منابع دولتی تامین شده است. بخشی از مشکلات در عرصه محیط زیست و منابع طبیعی ناشی از فرسودگی قوانین است و همچنین دستورالعمل دقیق برای الزام به دریافت گزارش‌های ارزیابی زیست محیطی برای طرح‌های انفرادی وجود ندارد و قانون در این مسائل سکوت کرده است. پرسش اساسی پژوهش آن که سیاست جنایی ایران در بعد تقنینی، آیا همسو و به موازات سایر ابعاد سیاست جنایی است یا خیر؟ و آیا این قوانین در راستای پیشگیری از جرائم زیست محیطی و برخورد با مرتکبان این گونه از جرائم کارآمد هست؟ در بعد جبران خسارت نظام تقنینی چه راه‌کارهایی را در پیش گرفته و آیا ساز و کارهای یادشده با شرایط روز جامعه همخوانی دارد؟

سیاست جنایی تقنینی ناظر بر جرم‌انگاری: از لحاظ قانون‌گرایی و مساوات طلبی، سیاست جنایی مطلوب آن است که در قانون برای عمل ارتكابی مجرمانه سقف معینی از مجازات پیش‌بینی شود به طوری که نتوان به بیش از میزان پیش‌بینی شده در قانون حکم داد و مجازات پیش‌بینی شده در قانون از حتمیت در اجرا برخوردار باشد تا شدت و از جهت معیار انسان‌گرایی، سیاست جنایی تقنینی باید مبتنی بر اصل «فردی کردن ضمانت اجرای کیفری» باشد تا از این طریق زمینه‌ساز بازگشت مجدد بزهکاران و منحرفان به جامعه شود. در این صورت آنچه مهم است، اندیشه اصلاح بزهکار است که ممکن است حتی از مجازات نیز خبری نباشد (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۵، ص ۲۶۰). تغییرات سریع قوانین، اصلاحات پی در پی در برخی از مقررات و جرم‌انگاری‌های افراطی و مانند آن، همگی گویای اتفاقی بودن این سیاست

جنایی در کشورمان است. همچنین، سیاست‌های جنایی تقنینی، قضائی، اجرایی و مشارکتی نیز مکمل همدیگر نبوده و با همدیگر همخوانی ندارند و در مواردی همدیگر را خنثی می‌کنند. کهنگی قوانین موجود در ایران نشان‌دهنده آن است که قوانین ما با شرایط موجود تطابق ندارد. در چند سال گذشته در نتیجه اقدامات انسان‌ها طبیعت دچار آسیب شده و پدیده‌هایی از جمله گرد و خاک در نتیجه این شرایط ظهور کردند.

قوانین کیفی در حمایت از جانداران بر اساس گونه‌ها و زیستگاه، جرم‌انگاری شده است. حامیان محیط زیست در راستای حمایت از گونه‌های جانوری از ابزارهای گوناگونی بهره‌جسته‌اند که یکی از آن ابزارها، استفاده و کمک از آموزه‌های دینی است؛ از دیگر ابزارهای موثر استفاده از ابزارهای قانونی است. لازمه وضع هر مقرراتی از جمله قوانین زیست محیطی، وجود دلایل متقنی است که به قدر کافی بر ضرورت آن‌ها تاکید داشته باشد (خالقی، ۱۳۸۹، ص ۱۵۶). بررسی سابقه قانون‌گذاری در حوزه جرائم زیست محیطی حاکی از آن است که اولین قوانین و مقررات مرتبط در قانون مدنی در باب ششم از مبحث شکار در مواد ۱۷۹ و ۱۸۰ مصوب ۱۳۰۷/۰۲/۱۸ و اولین قانون جزایی مصوب مجلس که به‌طور مستقیم به محیط زیست و منابع طبیعی می‌پردازد، قانون شکار مصوب ۱۳۳۵ است که در این قانون برای نخستین بار محدودیت‌هایی برای شکار و صید پیش‌بینی شد. این قانون که در ۷ ماده تدوین شده بود بیشتر به دنبال ایجاد راهکارهای مناسب برای حفظ شکار و نظارت بر آن است و برای این منظور هم تشکیل سازمان مستقلی با عنوان کانون شکار را پیش‌بینی می‌کند. قانون شکار مصوب ۱۳۳۵/۱۲/۰۴ و قانون شکار و صید مصوب ۱۳۴۶/۰۳/۱۶ فقط در ارتباط با محیط زیست طبیعی بوده و اولین قانون جامع که به‌طور نسبی کلیه ابعاد محیط زیست را شامل می‌شود قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست مصوب ۱۳۵۳/۰۳/۲۸ است. نظر به آنکه قانون برنامه توسعه پس از قانون اساسی مهم‌ترین اسناد بالادستی قوانین کشور محسوب می‌شود، با نگاه به برنامه‌های توسعه پر واضح است که مسایل حوزه محیط زیست در هر برنامه‌ای پر رنگ‌تر از برنامه قبل مورد توجه قرار گرفته است.

اسناد بالادستی: در قانون برنامه اول توسعه نیز در راستای جلوگیری از آلودگی محیط زیست و جبران خسارت وارده، راهکاری معین در تبصره ۱۳ این قانون لحاظ شده است؛ به گونه‌ای که یک در هزار درآمد حاصل از فروش تولیدات کارخانجات و کارگاه‌های کشور به این امر اختصاص یافته و با توجه به اهمیت موضوع با پایان مدت اعتبار قانون توسعه موضوع در بند د ماده ۴۵ قانون وصول برخی از درآمدهای دولت

و مصرف آن در موارد معین تکرار شده است. در قانون برنامه دوم توسعه توجه بیشتری به حوزه محیط زیست شده و هدف کلی آن تامین رشد و توسعه پایدار اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی به منظور نیل به رشد و توسعه متعادل مناطق مختلف و تلاش در راستای بهبود کیفیت محیط زیست و احیاء و بازسازی بخش‌های آسیب دیده آن بوده است که علاوه بر اهداف کیفی، اهداف کمی نیز مورد توجه قرار گرفته است. قانون برنامه سوم توسعه در بحث ملاحظات زیست محیطی از جامعیت بیشتری برخوردار بوده و بر ادغام و ملاحظات زیست محیطی در فرایندهای برنامه‌ریزی بیش از پیش تاکید شده است. در این برنامه، سیاست‌هایی که در برنامه‌های گذشته بیشتر بر فعالیت‌های انفعالی و واکنشی مورد تمرکز بود به بکارگیری سیاست‌های فعال و پیشگیرانه معطوف شد. قانون برنامه چهارم توسعه ۸۴-۸۹ از نظر جامعیت و تاکید بر اصول و مبانی توسعه پایدار تکامل یافته‌تر از برنامه‌های قبیل بوده که بازتاب آن را می‌توان به خوبی در اسناد بالادستی از جمله سند چشم‌انداز سیاست‌های کلی برنامه‌های توسعه و مواد ۵۸ الی ۷۱ در فصل مجزایی به نام حفظ محیط زیست مشاهده کرد. در برنامه چهارم توسعه که در آن شانزده ماده قانونی در بخش محیط زیست و آمایش سرزمینی بیان شده، به دلایل مختلفی از جمله غفلت از بندهای محیط زیستی نتوانسته سرعت تخریب محیط زیست کشور و معضلات زیست محیطی را کنترل کند؛ در این برنامه، برخلاف برنامه‌های گذشته به مقوله آموزش و مدیریت زیست بوم و هزینه‌های محیط زیستی توجه شده بود که متأسفانه به لحاظ فقدان مدیریت مناسب و کارآمد در همین موارد نیز با بیشترین مشکلات مواجه شد. در برنامه پنجم توسعه ۸۹-۹۴ به مسایل جدید مثل مهار گرد و غبار و شاخص‌های پایدار و ارزیابی زیست محیطی و کنترل گازهای گلخانه‌ای توجه شد؛ این برنامه در دل خود چهار ماده با ۱۶ موضوع در فصل توسعه منطقه‌ای و محیط زیست و ۱۳ ماده مرتبط با حوزه محیط زیست داشته که با وجود پیش‌بینی مشارکت مردمی به دلیل محقق نشدن بخش عمده‌ای از آن نتوانست سرعت تخریب محیط زیست و ذخایر زیست محیطی را کنترل کند. برنامه ششم توسعه محیط زیست با رویکردی خاص و با لحاظ موضوعاتی هم چون دیپلماسی محیط زیست، کاهش گازهای گلخانه‌ای، مقابله با آلودگی هوا، احیاء تالاب‌ها و رودخانه‌ها و جنگل‌ها و حمایت از تنوع زیست محیطی ترسیم شد. یکی از مهمترین قوانین در حوزه جرائم زیست محیطی و منابع طبیعی، قانون حفاظت از جنگل‌ها و مراتع مصوب ۱۳۴۶ است که برای حمایت و حفاظت از جنگل‌ها و مراتع تصویب شده است؛ این قانون

برای تضمین منابع طبیعی به برخی از ضمانت اجرای‌های حقوقی و بیش از آن به ضمانت اجرای کیفی متوسل شده است؛ با توجه به آن که یکی از مهم‌ترین حوزه‌ها در جرائم زیست محیطی مربوط به حوزه جنگل‌ها و مراتع است و اکوسیستم‌های جنگلی به دلیل ویژگی اقتصادی یکی از مهم‌ترین بخش‌های محیط زیست محسوب می‌شوند که به لحاظ دخالت انسان در این امر، اکولوژی جنگل‌ها و مراتع به سمت نابودی کشانده می‌شود. از جمله قوانین دیگر در زمینه واگذاری اراضی، طرح اصلاح ماده ۳۴ قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع مصوب ۱۳۷۳ است که به موجب آن وزارت جهاد سازندگی (جهاد کشاورزی) موظف شد ظرف مدت سه سال، اراضی جنگلی جلگه‌ای شمال و مراتع ملی غیر مشجر کشور را که تا پایان سال ۱۳۶۵ بدون دریافت مجوز قانونی تبدیل به باغ یا زراعت آبی شده و یا برای طرح‌های دیگر مورد استفاده قرار گرفته است، در قبال دریافت اجاره بها یا قیمت تعیین شده واگذار یا به فروش برسانند. بر اساس پژوهش صورت گرفته در این حوزه، حدود ۴۸۹ هکتار زمین در جلگه شمالی کشور به افرادی که اراضی موصوف را تحت تصرف داشته‌اند واگذار شده است (علاف آشتیانی، ۱۳۹۲، ص ۴۱۴). در آیین‌نامه اجرایی این قانون، سازمان جنگل‌ها موظف به دادن سند به اشخاص متصرف شده است که این موضوع سبب سند سازی و یا مدرک سازی افراد برای دریافت سند مالکیت اراضی ملی و دولتی تحت تصرف شده است. همچنین بسیاری از افرادی که در زمان مقرر اجرای این قانون نتوانستند برای اراضی تحت تصرف سند دریافت کنند هنوز هم به فکر احیای مجدد قانون یاد شده هستند که این نتایج مورد توجه پژوهشگران دیگر نیز قرار گرفته است (سوسنی، ۱۳۸۸، صص ۲۳۷-۲۴۹).

طرح ساماندهی خروج دام از جنگل: از جمله اقدامات مقنن در راستای واگذاری اراضی، طرح ساماندهی خروج دام از جنگل بوده که اجرای آن از سال ۱۳۶۸ شروع شده و با توجه به ارزش زمین در نقاط واگذار شده، این نقاط توسط اهالی غیر بومی به ویژه در بخش جذب توریست قرار گرفته است. این موضوع سبب وجود رانت و رانت خواری و زمین خواری در این منطقه شده و بیشتر دامداران و بسیاری از زمین خواران یقه سفید با سند سازی، اقدام به تصرف اراضی بکر جنگلی و مرتعی در مقابل تخلیه و خروج دام از جنگل کرده و پس از دریافت زمین با توجه به قیمت بالای آن، اقدام به تفکیک اراضی و قطعه‌بندی آن و فروش به اشخاص مختلف حقیقی یا حقوقی کردند به گونه‌ای که هم اکنون عرصه بسیاری از این اراضی نه تنها اثری از دام و احشام در آنها دیده نمی‌شود، بلکه با انجام ساخت و ساز در آن در قالب شهرک سازی‌های

متعدد و متنوع یا ویلاسازی خود، موجب تخریب عرصه مرتعی و جنگلی و نابودی دام و عرصه کشاورزی شده‌اند. بنابراین چنانچه قانون‌گذار در راستای جلوگیری از تخریب جنگل و احیای آن اقدام به تصویب چنین طرحی کرده باید ساز و کار و راه کارهای علمی و عملی مربوط به آن را در نظر می‌گرفت. بدین ترتیب که نخست واگذاری را در قالب اجاره و نه در قالب تملیک و فروش قطعی به متقاضیان تحویل می‌داد و سپس در راستای افزایش ظرفیت دامپروری، متقاضیان را مکلف به تاسیس دامداری‌های پیشرفته برای افزایش ظرفیت و بهره‌وری از دام و اشتغال‌زایی می‌کرد و امکان نظارت استصوابی خود را حین اجرای قرارداد نسبت به متقاضیان حفظ می‌کرد به گونه‌ای که در صورت خروج متعهد از مفاد قرارداد، حق اداره منابع طبیعی نسبت به ابطال قرارداد واگذاری و نیز واگذاری زمین به اشخاص ذی صلاح دیگر و جبران خسارت وارده محفوظ می‌ماند.

از دیگر قوانین مهم مرتبط با آلودگی محیط زیست و منابع طبیعی، قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست است که در مواد ۱۱ و ۱۲ و ۱۳ آن قانون در خصوص آلودگی، جرم‌انگاری شده است؛ بر اساس ماده ۹ آن، اقدام به هر عملی که موجب آلودگی محیط زیست شود، ممنوع است. مقنن در ماده ۱۱ سازمان را مکلف کرده است بر اساس مقررات و ضوابط مندرج در ماده ۱۰، کارخانجات و کارگاه‌های آلوده‌کننده محیط زیست را مشخص کرده و مراتب را با درج دلایل، حسب مورد به صاحبان یا مسئولان کارخانجات اخطار کند تا در ظرف مدت معین نسبت به رفع زمینه‌های آلودگی مبادرت و یا از کار و فعالیت خودداری کنند. از دیگر قوانین مربوط، قانون مدیریت پسماندها مصوب ۱۳۸۳/۲/۲۰ است. بر اساس ماده ۱ این قانون، در راستای تحقق اصل پنجاه قانون اساسی به منظور حفظ محیط زیست از آثار زیان‌بار پسماندها و مدیریت بهینه آنها وضع شده که بر اساس ماده ۲۳ آن، نظارت و مسئولیت حسن اجرای این قانون بر عهده سازمان حفاظت محیط زیست است.

لایحه قانونی حفظ و گسترش فضای سبز در شهرها مصوب ۵۹/۳/۳ که مرتکب بر اساس ماده ۴ اصلاحی در صورت ارتکاب به جزای نقدی از یک میلیون ریال تا ده میلیون ریال برای قطع هر اصله درخت و چنانچه تعداد درختان قطع شده بیش از سی اصله باشد به حبس تعزیری از شش ماه تا سه سال محکوم خواهد شد؛ ولی با تصویب قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ و ماده ۶۸۶ آن، ماده ۶ لایحه قانون یاد شده نسخ ضمنی شد؛ هر چند ماده ۶۸۶ نیز با وضع ماده ۴ مصوب ۱۳۸۸/۴/۲۰ مجمع تشخیص مصلحت نظام

منسوخ شد. از جمله قوانین دیگر در حوزه جرائم زیست محیطی قانون حفظ و حمایت از منابع طبیعی و ذخایر جنگلی کشور مصوب ۷/۷/۷۱ است که به موجب ماده ۱ آن برخی از درختان از قبیل شمشاد و زربین، در سراسر کشور جزء ذخایر جنگلی بوده و قطع آن ممنوع است. گفتنی است با توجه به قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و توجه در مواد ۶۴-۹۵ این قانون، با توجه به درجه هفت بودن کیفر مقرر بزه موصوف، دادگاه مکلف به تعیین و اعمال مجازات‌های جایگزین حبس برای مرتکب است و با این وصف، اعمال و اجرای مجازات حبس برای مرتکبان فاقد سابقه محکومیت در جرائم تعزیری درجه شش به بالا در بدو امر منتفی است.

جرم زیست محیطی: جرم زیست محیطی جرمی است عمدی به نحوی که مجرم با قصد منجر مجرمانه یعنی با خواستن و تمایل از انجام عملی که قانون آن را منع کرده و یا ترک فعلی که به موجب قانون ممنوع شده به آن مبادرت می‌ورزد. به عبارت دیگر عنصر روانی جرم همان قصد مجرمانه است که می‌تواند شاخص عمد در ارتکاب بزه باشد؛ به تعبیر دیگر اراده هدایت شده به سوی هدف معین را قصد گویند (نوربها، ۱۳۹۰، ص ۱۷۵). بسیاری از جرائم زیست محیطی مقید به حصول نتیجه هستند؛ برخی دیگر از جرائمی که در این حوزه در زمره جرائم مطلق قرار گرفته مانند ماده ۲۴ قانون نحوه جلوگیری از آلودگی هوا که سوزاندن و انباشتن زباله‌های شهری و خانگی و هر گونه نخاله در فضای باز و اماکن عمومی که دارای ضمانت اجرای جزای نقدی برابر ماده ۳۱ همان قانون است. با توجه به اهمیت محیط زیست و ماهیت جرائم ارتكابی در این حوزه و ویژگی مرتکبان آن که بیشتر حسابگر و در راستای نفع شخصی مرتکب این گونه جرائم خواهند شد و نتایج زیان‌بار حاصل از عمل مجرمانه که دامن گیر نسل حاضر و حتی آینده عموم افراد جامعه خواهد بود بنابراین باید اصل تناسب سازی کیفر ملاک مقنن و محاکم قرار گیرد. از جمله قوانین دیگر در حوزه جرائم منابع طبیعی و محیط زیست که می‌توان به آن اشاره کرد، ماده ۶۹۰ از قانون تعزیرات ۱۳۷۵ است. اقدامات پیشگیرانه، افراد جامعه را از مجازات‌های مقرر مصون می‌دارد؛ مانع هر گونه تخریب و دست‌اندازی به محیط زیست و منابع طبیعی شده و از آلودگی آن جلوگیری می‌کند. در بدو امر، هدف از اعمال مجازات، اصلاح مجرمان و اعاده نظم به جامعه است و چنانچه با این رویکرد به آن هدف غائی نرسیم، نباید از رویکرد تریبلی و ترویهی بودن کیفر استفاده شود. پاسخ‌هایی که پس از وقوع جرم با توجه به ماهیت عمل صورت می‌پذیرد عبارت‌اند از: پاسخ کیفری، پاسخ مدنی و پاسخ اداری.

روش‌شناسی

در این پژوهش از روش توصیفی استفاده شده و قوانین متعدد در این حوزه مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته و نگرش و سیاست مقنن ارزیابی و نقاط ضعف و قوت و همسو بودن یا تعارض قوانین با یکدیگر مورد بررسی قرار گرفته است.

یافته‌ها

ماهیت پاسخ به جرائم زیست محیطی: در راستای مبارزه با پدیده بزهکاری در این عرصه مقنن می‌باید از یک سو در مرحله پیشگیری با راهکارهای مناسب از ارتکاب این جرائم جلوگیری کرده و از سوی دیگر در صورت ارتکاب جرم با ارائه پاسخ‌های مناسب و موثر به ویژه در بعد کیفری نسبت به حمایت از محیط زیست و برخورد با مرتکبان جرائم در این حوزه اقدام لازم را به عمل آورند.

پاسخ در قالب کیفر یا مجازات: با توجه به ویژگی حاکم بر ضمانت اجرای کیفری و برای حمایت ویژه از محیط زیست در راستای کنترل و کاهش آلاینده‌های زیست محیطی باید از ضمانت اجرای کیفری و ظرفیت‌های آن استفاده مطلوب کرد.

پاسخ‌های کیفری به جرائم زیست محیطی: از آنجا که مجازات واکنشی است که اجتماع در مقابل جرم واقع شده و مجرم از خود نشان می‌دهد (شامبیاتی، ۱۳۷۱)؛ با این وصف کیفرهای زیست محیطی پاسخ و واکنشی است که اجتماع در برابر جرائم زیست محیطی از خود نشان داده و بدین وسیله از محیط زیست در برابر جرائم و مجرمان حمایت می‌کند. پاسخ‌های تعیین شده گاهی به شکل جداگانه مورد توجه قرار می‌گیرد، از قبیل حبس یا جریمه و گاهی ترکیبی از چند پاسخ مورد توجه قرار می‌گیرد، از قبیل حبس و جزای نقدی و یا شلاق و حبس که در قانون آمده است.

حبس یکی از مؤثرترین ابزار دفاع جامعه در برابر بزهکاران است؛ در قوانین کیفری ایران نیز از جمله قانون صید و شکار، قانون حفظ جنگل‌ها و مراتع، و قانون تعزیرات از آن استفاده شده است؛ هر چند با نگاهی به قوانین کیفری از جمله قانون صید و شکار، قانون حمایت از جنگل‌ها و مراتع که کیفرهای حبس کوتاه مدت و حداکثر شش ماهه تعیین شده است، محاکم قضایی در مرتبه اول مکلف به اعمال مجازات‌های جایگزین حبس هستند و این خود نیاز به بازنگری در قوانین کیفری از سوی مقنن را نمودار می‌سازد و مقنن

باید با توجه به نتیجه زیان بار حاصل از ارتکاب جرم و گستره نقض وظیفه در راستای اصل فردی کردن در تعیین مجازات‌ها تجدید نظر کند.

جزای نقدی، از جمله ضمانت اجراهایی است که از دیرباز در نظام حقوقی ایران و سایر کشورها مورد استفاده قرار گرفته است و یکی از سودمندترین روش‌های برخورد با مرتکبان است. ایرادی که به قانون‌گذار در این حوزه وارد است آنکه در بیشتر قوانین از جزای نقدی ثابت استفاده شده است و از طرفی با توجه به قدمت و عدم اصلاح و بازنگری، ویژگی‌های بازدارندگی خود را از دست داده و در بسیاری از موارد مرتکبان این گونه از جرائم با محاسبه سود و زیان بدون هیچ گونه واهمه و هراسی مرتکب این جرائم شده و حتی پس از دستگیری و اجرای مجازات به لحاظ ناچیز بودن جریمه، دوباره مرتکب جرائم موصوف شده و خود به مجرمان حرفه‌ای و سابقه‌دار در این حوزه بدل می‌شوند که در این راستا باید با تعیین جزای نقدی نسبی به چند برابر ارزش مال حاصل از ارتکاب جرم یا جزای نقدی ثابت که با وضعیت اقتصادی و اجتماعی امروز جامعه به روز باشد، نسبت به ترمیم و احیای ویژگی اربابی بودن و ترهیبی بودن این بعد از کیفر پرداخته شود.

حبس و جزای نقدی: یکی دیگر از انواع مجازات‌ها در این حوزه، ترکیبی از حبس و جزای نقدی است که این شیوه کیفر در بند الف ماده ۱۳ قانون شکار و صید و نیز ماده ۴۲ قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع بیان شده است.

جزای نقدی و مصادره: در لغت نامه دهخدا، مصادره به معنای ضبط کردن اموال و دارایی کسی به سبب جرمی که مرتکب شده است در قانون مصادره اموال حکمی است که به عنوان مجازات برای فرد مجرم در نظر گرفته می‌شود و به همین خاطر رأیی که مبتنی بر مصادره اموال باشد از جهت حفظ حقوق دولت و به عنوان مجازات بر محکوم کیفری تحمیل می‌شود. تعیین کیفر مصادره در کنار جزای نقدی می‌تواند نقش پیشگیرانه و مفیدی تعیین کند زیرا اگر برای پاسخ به این جرم زیست محیطی تنها از جزای نقدی استفاده می‌شد، سود حاصل از ارتکاب جرم سبب می‌شد تا اشخاص از ارتکاب این گونه جرائم صرف نظر نکنند. لازم به تذکر است که با توجه به هدف غایی مقنن در این حوزه که ضبط وسایل ارتکاب جرم را در راستای پیشگیری ثانویه مد نظر قرار داده است و با عنایت به جنبه اصلاحی و تربیتی مجازات‌ها و ترهیبی بودن آن و همچنین ویژگی فرامنطقه‌ای جرائم زیست محیطی شایسته آن بوده که مقنن در کلیه

جرائم علیه محیط زیست از جمله قانون حفظ جنگل‌ها و مراتع، ضبط آلات و ادوات ارتکاب جرم را نیز به عنوان بخشی از مجازات‌ها مدنظر قرار می‌داد تا با افزایش هزینه‌های ارتکاب جرم، مرتکبان بالقوه و بالفعل را از ارتکاب این گونه جرائم باز دارد.

جزای نقدی و ضبط عین مال: هر چند مقنن میان ضبط آلات و ادوات و مصادره، تفکیکی قائل نشده است، به لحاظ عملی و کاربردی این تفکیک محرز است؛ به طور مثال اقدام مقنن در ماده ۱ لایحه قانونی مجازات، صید غیر مجاز از دریای خزر، خود صورتی خاص از مصادره است.

جزای نقدی و مصادره و تعطیلی موقت: برابر بند ب ماده ۲۲ قانون حفاظت و بهره‌برداری از منابع آبی جمهوری اسلامی ایران، اشخاصی که مرتکب صید بدون پروانه شوند به جریمه نسبی تا سه برابر ارزش محصول (در مورد صید، انتقال) و یا پرداخت جریمه ثابت از یک تا پنج میلیون ریال (برای سایر موارد) و نیز مصادره محصولات صیادی و پرورشی و ضبط آلات و ادوات صید و مواد بکار رفته محکوم خواهند شد. همچنین دادگاه می‌تواند ادامه فعالیت واحد آلاینده را تا برطرف شدن نقصی که موجب آلودگی محیط زیست شده است باز دارد. همان‌طور که از منطوق ماده بر می‌آید فلسفه تعطیلی موقت از این جهت است که کارخانجات و کارگاه‌های آلاینده چنانچه تا صدور حکم قطعی لازم اجرا به فعالیت خویش ادامه دهند، موجب تخریب بیشتر محیط زیست شده و چه بسا آثار و نتایج بازگشت ناپذیری از ادامه فعالیت آنان بر عرصه محیط زیست یا منابع طبیعی وارد آید، بنابراین کیفر یادشده در مواردی که کارخانه متخلف، همچنان وصف آلاینده‌گی خویش را ادامه می‌دهد با تشخیص دادگاه در پیشگیری از ارتکاب مجدد جرم، نقش موثر و بسزایی خواهد داشت.

نقش سازمانهای مردم نهاد: در سیاست جنایی مشارکتی، مشارکت سازمان یافته و یا خود جوش مردمی می‌تواند مد نظر باشد، ولی در بحث حاضر، حضور سازمان یافته مردم در مراحل مختلف، موجب کنترل پدیده مجرمانه می‌شود. امروزه ارتباط مردم با حکومت و دولت به معنای عام از طریق نهادهایی به عنوان سازمان‌های مردم نهاد شکل می‌گیرد، سازمان‌های مردم نهاد مکمل بخش دولتی در نیل به اهداف توسعه پایدار بوده که این سازمان‌ها در تدوین برنامه سوم توسعه و پس از آن مورد توجه خاص قرار گرفتند؛ از جمله موارد مورد توجه در برنامه چهارم توسعه که به آن اشاره شد، توسعه و مشارکت مردم (نقش غیر دولت) در توسعه کشور است. گسترش و تعمیق مشارکت‌های مردمی در حیطه حفاظت از محیط زیست

نیازمند سازماندهی، قانون گذاری تفکیک و تعیین وظایف سازمان های مردم نهاد و حیطه اختیارات آن و ایجاد ساختار مناسب است. در کنفرانس اجلاس سران در ریو (۱۹۹۲) یکی از وظایف سازمان های مردم نهاد، حفاظت از محیط زیست و توسعه پایدار بوده است؛ در این زمینه می توان به مواد ۶۶، ۶۸ و ۱۴۰ برنامه چهارم توسعه اشاره کرد که ارجاع برنامه مدیریت سبز موسسه ها و نهادهای عمومی غیر دولتی و تاسیس صندوق ملی محیط زیست با کمک بخش غیر دولتی داخلی و خارجی و کمک به ایجاد توسعه و قانونمندی نهادهای غیر دولتی در زمینه حفاظت از محیط زیست و ارتقاء معیارهای زیست محیطی و سلامت مردم را بیان داشته است اشاره کرد.

بهره مندی از ظرفیت سازمان های مردم نهاد در عرصه زیست محیطی رویکردی است کم هزینه و فراگیر و با مقبولیت بسیار که می تواند بستر مناسب جهت حفاظت از منابع طبیعی و محیط زیست قلمداد کرد؛ با توجه به آنکه حفاظت از محیط زیست برای هر کشور به عنوان یکی از ستون های امنیت ملی در نظر گرفته شده باید خاطر نشان کرد در کنار بازیگران اصلی این عرصه یعنی دولت به معنای عام شاهد بازیگران غیر دولتی نیز هستیم که توانسته اند در این زمینه حتی به هنجار سازی و قانونمندی نیز دست بزنند که در میان سازمان های غیردولتی، اهمیت بیشتری دارند و در سطح داخلی این سازمان ها نقش واسطه بین مردم و دولت ها را ایفاء می کنند. گفتنی است این سازمان ها به لحاظ روند ساده تشکیل آن ها و همچنین انطباق عینی با شرایط موجود و داشتن ابزارهای مادی لازم از جمله اقبال عمومی می توانند در راستای حمایت از محیط زیست موثر واقع شوند.

مهمترین رسالت سازمان های مردم نهاد، تغییر نگرش نوع مردم به عرصه های زیست محیطی است؛ یکی از نقش های سازمان های مردم نهاد وظیفه دیده بانی است و نقد و طرح کمبودها و کاستی ها در تدوین و اجرای مقررات است. امروزه سازمان های غیردولتی از دو جهت به نظام عدالت کیفری در راستای تحقق اهداف خود کمک می کنند؛ از یک سو با ایفای وظایف خود در زمینه اعلام و گزارش جرائم نظام عدالت کیفری را در کشف جرائم و تعقیب مرتکبان کمک کرده و از یک سو در راستای فرایند کیفری با نقش آفرینی خود نسبت به یاری رساندن به بزهدیدگان خاص یاری می رسانند.

تحقق این اهداف عالی و بهره مندی از خدمات سازمان ها و نهادهای غیردولتی بدون وجود قانون و ساز و کارهای قانونی محل اشکال است؛ با توجه به آن مشارکت این سازمان ها در فرایند کیفری یک

ظرفیت خاص را ایجاد می‌کند و ورود به فرایند کیفی مستلزم تقنین در قوه قانون گذاری است؛ بنابراین مقنن باید با تدوین قوانین مناسب، راه را برای حضور این سازمان‌ها در عرصه زیست محیطی هموار کرده تا شاهد اقدامات و فعالیت‌های روزافزون این سازمان‌ها در عرصه محیط زیست باشیم.

در قانون اساسی، در زمینه حفظ محیط زیست و مشروعیت ایجاد و فعالیت سازمان‌های غیر دولتی دو اصل پیش‌بینی شده است. اصل ۵۰ قانون اساسی که حفاظت از محیط زیست را وظیفه عمومی دانسته و هر نوع فعالیت که موجب آلودگی و تخریب محیط زیست شود را ممنوع اعلام داشته است. همچنین اصل ۲۶ قانون اساسی ملهم از ماده ۲۰ اعلامیه جهانی حقوق بشر در بر دارنده اصل آزادی اجتماعات و اصل مشارکت آزادانه این افراد در اجتماعات است. از حیث کارکردی ماهیت اقدامات سازمان‌های غیر دولتی بیشتر واجد پیشگیری غیر کیفی است زیرا وسایل و شیوه‌های مورد استفاده این سازمان‌ها، جنبه پلیسی و سرکوب‌گرانه ندارند. بنابراین سازمان‌های غیردولتی تلاش می‌کنند با اطلاع‌رسانی، آموزش، بسیج افکار عمومی و اعلام خطر نسبت به وضعیت محیط زیست، اقدامات پیشگیرانه خود را شرح و بسط دهند. با توجه به وظایف یاد شده، تبیین نقش سازمان‌های غیر دولتی در پیشگیری از جرائم زیست محیطی، مستلزم آن است که موضع نظام حقوقی ایران در شناسایی حق دادخواهی برای این سازمان‌ها بررسی و آسیب‌شناسی شود.

وضع قانون یکی از مهمترین و اصلی‌ترین مراحل در حفاظت از محیط زیست محسوب می‌شود. صرف قانون گذاری برای حفاظت از منابع طبیعی کافی نیست زیرا مقررات وضع شده باید توسط نهادهای اجرایی اجرا شوند و اجرا نشدن آن نیز دارای ضمانت حقوقی باشد و این ضمانت اجراها توسط مقامات قضایی صالح تضمین شود. بنابراین در صورتی می‌توان به نظام حقوقی در حوزه محیط زیست امیدوار بود که هر یک از قوای سه گانه وظایفشان را در این حیطه انجام دهند. در قانون آیین دادرسی کیفی برابر ماده ۶۶ اعلام شده: «سازمان‌های مردم نهادی که اساسنامه آنها درباره حمایت از اطفال، ...، محیط زیست و منابع طبیعی است می‌توانند به جرائم ارتكابی در زمینه‌های یاد شده اعلام جرم کنند و در تمام مراحل دادرسی جهت اقامه دلیل شرکت و نسبت به آرای مراجع قضایی اعتراض کنند. آنچه مسلم است آنکه قانون گذار در یک اقدام بدیع، حق طرح دعوا برای این سازمان‌ها را نیز به رسمیت شناخته و به دیگر سخن، مقنن سازمان‌های مردم نهاد مزبور را در حیطه فعالیت تخصصی مطابق با اساسنامه ذینفع در دعوا

و طرح شکایت محسوب و با تعیین برخی از حقوق مقرر از آنان به نوعی حمایت حقوقی کرده است. گفتنی است قانون گذار در تبصره ۲ ماده یاد شده، ضابطان دادگستری و مقامات قضایی را مکلف کرده تا بزه دیدگان جرائم موضوع این ماده را از کمک سازمان های مردم نهاد مربوطه آگاه کنند. همچنین به موجب تبصره ۳ این ماده، اسامی سازمان های مردم نهاد که می توانند در راستای این ماده اقدام کنند در سه ماهه اول هر سال توسط وزیر دادگستری با همکاری وزیر کشور تهیه و به تصویب رئیس قوه قضاییه می رسد. با وجود اقدام تحسین آمیز قانون گذار در این خصوص، ابهاماتی در این موارد وجود داشته که از آن جمله شناسایی نشدن و توصیف ناکافی سازمان های مردم نهاد است. بنابراین شایسته است مقنن ساز و کار تاسیس و راه اندازی این گونه مؤسسه های مردم نهاد را به وضوح مشخص و نسبت به اعلام اسامی آنان به آحاد جامعه اقدام کند.

بحث و نتیجه گیری

در پژوهش حاضر، ابعاد مختلف سیاست جنایی تقنینی مورد توجه قرار گرفته، حال آن که در پژوهش های گذشته فقط یک یا چند بعد از این قضیه مورد بررسی و توجه قرار گرفته است. ایراد اساسی قوانین مدون جزایی کشور در حوزه محیط زیست، به روز نبودن و کارا نبودن ضمانت اجراهای پیش بینی شده در قوانین با توجه به شرایط امروز جامعه ماست. قوانین دیگر ویژگی بازدارندگی مطلوب ندارند، به هر حال در قبال محیط زیست تخریب شده و رو به تخریب ایران و طبیعت شکننده و حساس آن، بیشتر قوانین موضوعه کشور از گذشته تاکنون راجع به حفظ محیط زیست و جلوگیری از شکار بوده که حالت پیشگیرانه داشته که متأسفانه اقدامات پیشگیرانه نیز به صورت سنتی بوده و در عمل در بسیاری از مواقع به لحاظ کاستی های موجود و اجرا نشدن مناسب و به موقع مانند کمبود بودجه و فقدان نیروی کار کافی و کارآمد و نداشتن امکانات و اطلاعات لازم، ویژگی پیشگیرانه مد نظر قانون اجرا نشده است؛ بنابراین باید اقدامات پیشگیرانه متناسب با نیازهای روز و مدرن به روز رسانی شود. ایجاد یک تدبیر کیفری مناسب در این عرصه، مستلزم شناختن رفتارهای ضد اجتماعی در حوزه منابع طبیعی است.

همچنین در سیاست جنایی علاوه بر مبحث پیشگیری، اتخاذ رویکرد واکنشی در برابر جرائم زیست محیطی و تخریب منابع طبیعی از اهمیت ویژه ای برخوردار است به گونه ای که با شناسایی و گسترش

صلاحیت بانیان این امر از متولیان عمومی و دولتی به متولیان خصوصی و غیر دولتی، حمایت از حوزه منابع طبیعی و عرصه محیط زیست مناسب‌تر و راحت‌تر خواهد بود و از این جهت تعامل این سازمان‌ها با دولت و نهادهای دولتی و صلاحیت این سازمان‌ها در روند رسیدگی به دعاوی کیفری جرائم زیست محیطی نقش بسیار مهم و ارزنده‌ای در حفاظت از منابع طبیعی و محیط زیست در مرحله کنترل و اجرا دارد. وضع ماده ۶۶ قانون آیین دادرسی کیفری، سیاست و نگرشی است بر حضور جامعه مدنی در عرصه‌های مختلف فرایند کیفری. بر این اساس، سازمان‌های مردم نهاد به عنوان جلوه مبرهن و آشکار جامعه مدنی، نقش تازه‌ای برای شرکت در حیطه دادرسی کیفری یافته است؛ با تفویض اختیارات قانونی، این سازمان‌های مردم نهاد با محمل قانونی به یکی از بازیگران فرایند کیفری بدل شده‌اند.

فهرست منابع

- باختر، سید احمد. (۱۳۹۳). *مجموعه کامل آرای وحدت رویه دیوان عالی کشور*. چاپ هفتم. تهران: انتشارات جنگل (جاودانه).
 خالقی، ابوالفتح. (۱۳۸۹). تحلیل تدابیر کیفری ملی در حفاظت از گونه‌های جانوری با تأملی بر اسناد فراملی. *فصلنامه حقوق دانشکده حقوق و علوم سیاسی*، ۴۰(۴).
 زراعت، عباس. (۱۳۸۲). *شرح قانون مجازات اسلامی، بخش تعزیرات ۳*. تهران: نشر ققنوس.
 شامیباتی، هوشنگ. (۱۳۷۱). *حقوق جزای عمومی*. جلد ۲. تهران: پازنگ.
 عظیم‌زاده، شادی. (۱۳۸۴). جلوه‌های پویای سیاست جنایی در حمایت از زنان بزه‌دیده. *مجله حقوقی دادگستری*، شماره ۵۲ و ۵۳.
قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، مصوب ۱۲ آذرماه ۱۳۵۸.
قانون تعزیرات، سال ۱۳۷۵.
قانون تعیین تکلیف اراضی اختلافی اجرای ماده ۵۶ قانون جنگل‌ها و مراتع، مصوب ۲۲/۰۶/۱۳۶۷.
قانون حفاظت از دریاها و رودخانه‌های قابل کشتیرانی در مقابل آلودگی به مواد نفتی، مصوب ۱۳۸۹.
قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع با اصلاحات بعدی، مصوب ۳۰/۰۵/۱۳۴۶.
قانون حفاظت و بهره‌برداری از منابع آبی، مصوب ۱۳۷۴.
قانون حفظ و حمایت از منابع طبیعی و ذخایر جنگلی کشور، مصوب ۰۵/۰۷/۱۳۷۱.
قانون حفظ و گسترش فضای سبز در شهرها، مصوب ۱۳۵۹ و اصلاحی ۱۳۸۸.
قانون مجازات صید و شکار با اصلاحات بعدی، مصوب ۱۳۴۶.
 کفشگر، ابوالقاسم. (۱۳۹۷). *سیاست جنایی ایران در جرائم علیه محیط زیست و منابع طبیعی (رساله دکتری)*، دانشگاه علوم تحقیقات اصفهان.
 لازرژ، کریستین. (۱۳۸۱). *درآمدی به سیاست جنایی*، برگردان علی حسین نجفی ابرندآبادی. تهران: نشر میزان.
 معاونت حقوقی و توسعه قضایی قوه قضاییه. (۱۳۸۸). *مجموعه تنقیح شده قوانین و مقررات کیفری*. چاپ دوم. تهران: انتشارات روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران.

نجفی ابرندآبادی، علی حسین. (۱۳۸۵). مباحثی در علوم جنایی مباحثی در علوم جنایی. جزوه درسی. نجفی ابرندآبادی، علی حسین. (۱۳۸۷). سیاست جنایی. مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۱۱ و ۱۲. نوربها، رضا. (۱۳۹۰). زمینه حقوق جزای عمومی. تهران: نشر گنج دانش.

